

# بررسی منابع و مآخذ احادیث مندرج در تاریخ جهانگشای جوینی

دکتر احمد خاتمی\*

## چکیده:

در تاریخ جهانگشا، اثر مشهور علاءالدوله عظاملک جوینی (۶۲۳- ۶۸۱ ه.ق) که بدون تردید یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های نثر مصنوع فارسی و از مهم‌ترین منابع تاریخی دوران مغول است، حدیث در کنار آیات قرآنی و اشعار و امثال عربی، جایگاهی ویژه دارد. مصنف در جای‌جای کتاب خود، به‌گونه‌ها و بهانه‌های مختلف به استشهاد و اقتباس از آیات و احادیث دست یازیده، تاریخ خود را به آن‌ها مستند و مستدل نموده است. آشنایی با احادیث و شناسایی منابع و مآخذ آن‌ها به خواننده کمک می‌کند؛ اولاً احادیث را از اقوال و امثال - که غالباً در ضمن خواندن متن با یکدیگر خلط می‌شوند- تشخیص دهد و ثانیاً به متن و نویسنده آن اعتماد بیشتری کند و به میزان تسلط مؤلف بر منابع روایی، آگاهی یابد. در این مقاله سعی شده است مستندات احادیث مندرج در این کتاب، بررسی و گزارشی از مهم‌ترین منابع و مآخذ شیعی و اهل سنت در ذیل هر حدیث ارائه شود.

**کلید واژه‌ها:** حدیث، نثر مصنوع، تاریخ جهانگشای جوینی، سبک‌شناسی، عظاملک جوینی.

## مقدمه:

در اواخر قرن پنجم، همدوش با نثر ساده‌ای که دنباله نثر سامانی و غزنوی

بود، شیوه‌ای به وجود آمد که در اوایل قرن ششم، سبب تحول نثر ساده به نثر فنی شد. سبکی که حدود دو قرن بر نثر فارسی سایه افکند و سرانجام در اواخر قرن هفتم به نثر متکلف و مصنوع گرایید و در قرون بعد، نثر فارسی را از راه اعتدال دور کرد. از جمله مؤلفان و مترسلان و مترجمانی که در این تحول سهمی داشته‌اند، پس از نصرالله منشی در کلیله و دمنه و نظامی عروضی در چهار مقاله و قاضی حمیدالدین در مقامات حمیدی و دیگران، **عطاملک جوینی** در تاریخ جهانگشای جوینی است. **علاءالدوله عطاملک جوینی** (۶۸۱-۶۲۳ ه. ق.) فرزند بهاءالدین و برادر **خواجه شمس‌الدین محمد**، صاحب دیوان و وزیر شهید بود که پدر و جدّ و خالش همه از دبیران و کتاب‌فاصل شمرده می‌شدند و در خدمت سلاطین می‌زیستند.

**عطاملک** علاوه بر ادب دوستی، خود از ادبای عالی مقام زبان فارسی است و تاریخ جهانگشا شاهد عدلی بر وفور فضل و قوّت ادب و کثرت ذوق و قریحۀ اوست. از او به‌جز تاریخ جهانگشا دو رسالۀ دیگر در دست است؛ یکی موسوم به **تسلیۀ الاخوان** و رساله‌ای بی‌نام که در حقیقت، متمم آن رساله است.<sup>۱</sup>

کتاب **تاریخ جهانگشا** که به حق از برجسته‌ترین متون ادبی و تاریخی فارسی است، به شیوۀ انشا و سبک منشیانۀ قدیم با تصرفاتی تازه تألیف شده است؛ مؤلف کتاب در همه جا کوشیده است به ذکر حقایق تاریخی بپردازد و علل و عوامل حملۀ مغول و پیشرفت چنگیز را با زبانی آمیخته به مدح و مدهانه از خوانین مغول بیان نماید.

گزارش‌ها و تحلیل‌های تاریخی عطاملک سبب شد کتاب جهانگشا از زمان تألیف، شهرتی یابد و در نزد مورخان مقبول افتد تا جایی که غالب مورخان معاصر مؤلف و بعد از آن به اسم و رسم، از این کتاب نقل مطلب کرده‌اند و آن را یکی از مآخذ معتبر خود شمرده‌اند.

این کتاب که در سه جلد فراهم آمده است، ویژگی‌هایی دارد که از جمله آن‌ها، اقتباس مصنف از آیات و احادیث است که از مهم‌ترین مختصات نثر این دوره به شمار می‌آید. این ویژگی در کتاب **تاریخ جهانگشا** به چند صورت آمده است:

۱. برای اطلاع کامل از شرح حال عطاملک، رک: مقدمۀ مرحوم قزوینی بر تاریخ جهانگشای جوینی، صص: مج - مج - عب و نیز رک: سبک‌شناسی بهار، ج: ۳، ۵۲ تا ۵۶ و تاریخ ادبیات در ایران، از دکتر ذبیح‌الله صفا.

الف: پیوستن آیات و اخبار به رشته نثر، بی هیچ گونه فاصله و کلمه‌ای که عبارت عربی را از نثر فارسی متمایز نماید؛ چنان که گویی، ترکیب عربی، دنباله عبارت فارسی است و این نوع اقتباس از دشوارترین و دقیق‌ترین اقسام آن است. (خطیبی ۲۰۱)

ب: اقتباس به طریق تمیم و تکمیل که بالاترین حد تناسب و ظرافت و دقت در فن اقتباس است. در این نوع اقتباس، استفاده از آیات و احادیث نه فقط از جهت لفظ، بلکه از نظر معنی با عبارت فارسی اتصال کامل دارد.

ج: اقتباس و نقل تمام آیه یا حدیث برای بیان یک کلمه، به طریق ترکیب اضافی.<sup>۱</sup>

### احادیث جهانگشا

کتاب تاریخ جهانگشا مانند دیگر آثار نثر مصنوع، مجموعه‌ای از احادیث را در ضمن عبارات خود گنجانده است. فهرستی از احادیث کتاب را، پیش از این، نگارنده تهیه و منتشر کرده است<sup>۲</sup> و آنچه در این مقاله صورت گرفته، پژوهشی در منابع و مآخذ احادیث تاریخ جهانگشا بر اساس همان فهرست است؛ برای این کار، مهم‌ترین منابع روایی اهل سنت و مآخذ شیعی بررسی شده و گزارشی از نتایج آن در ذیل هر یک از احادیث آمده است.

شایان ذکر است که بر اساس این تحقیق، تعداد احادیث مندرج در این کتاب ۳۳ حدیث است و عباراتی مانند: *أُولَئِكَ فُرْسَانِي بِهِمُ أَنْتَقِمُ مَمَّنْ عَصَانِي* (جهانگشا، ج ۱: ۱۷، ۸)، *السَّمَانَةُ لَوْمٌ* (جهانگشا، ج ۳: ۱۴، ۷)، *العَبْدُ يُدَبِّرُ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ* (جهانگشا، ج ۲: ۲۰۱، ۱۰)، *أَلْعَلِمُ شَجْرَةٌ أَصْلُهَا بِمَكَّةَ وَ ثَمْرُهَا بِخُرَاسَانَ* (جهانگشا، ج ۱: ۴، ۶)، *قَتَلْتَ وَ قُتِلْتَ سَيُقْتَلُ قَاتِلُكَ* (جهانگشا، ج ۱: ۲۰۲، ۱۷ و ج ۲: ۴۶، ۱)، *كُلُّ شَيْءٍ مَهَّةٌ وَمَهَّاءٌ إِلَّا النَّسَاءَ وَ ذَكَرَهُنَّ* (جهانگشا، ج ۲: ۱۵۸، ۴)، *مِنَ النَّاسِ نَاسٌ جُعِلَ مِفْتَاحُ الْخَيْرِ بِيَدِهِ وَ مِنَ النَّاسِ نَاسٌ جُعِلَ مِفْتَاحُ الشَّرِّ بِيَدِهِ* (جهانگشا، ج ۲: ۲۶۲، ۱۵) که پیش از این در فهرست احادیث آمده بودند، در زمره احادیث شمرده نمی‌شوند.

۱. برای آشنایی بیشتر با ویژگی‌های سبکی جهانگشا، ر.ک: مقدمه شرح مشکلات تاریخ جهانگشای جوینی، تألیف نگارنده.  
۲. ر.ک: بخاتمی، احمد، شرح مشکلات تاریخ جهانگشا جوینی، بخش ترجمه عبارات عربی و بخش فهرست آیات و احادیث.

## بررسی منابع و مآخذ احادیث می تواند:

۱. احادیث را از اقوال و امثال تفکیک نماید؛
  ۲. در شناخت جایگاه احادیث به پژوهشگران کمک کند؛
  ۳. اعتماد خوانندگان را به متن افزایش یا کاهش دهد؛
  ۴. میزان احاطه مصنف را به منابع حدیث معین کند؛
  ۵. تمایل مصنف را به انواع احادیث، منابع، راویان و... نشان دهد.
- هر یک از این نتایج، زمینه‌های لازم را برای پژوهش و تحلیل جداگانه و مستقلی درباره **عظاملک** و تاریخ جهانگشا فراهم می‌کند.
- ترتیب احادیث در این مقاله الفبایی است و روش در ذکر منابع و مآخذ احادیث به گونه‌ای است که ابتدا منابع شیعی و سپس منابع و مآخذ اهل سنت بررسی شده است؛ در پایان مقاله فهرست مهم‌ترین منابع روایی شیعه و اهل سنت به تفکیک آمده است.

## بررسی احادیث

۱. **أَبِيتُ عِنْدَ رَبِّي يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِي.** (جهانگشا، ج ۱: ۵۴، س ۱۲)  
این خبر بدون اسناد، از رسول‌الله در خبری در کتاب المناقب، ج ۱: ۲۱۴ و در **عوالی اللالی**، ج ۲: ۲۳۳ و در کتاب **بحار الانوار**، ج ۱۶: ۳۹۰ وارد شده است. همچنین این خبر به صورت مسند در خبری از ابی هریره از رسول‌الله (ص) در کتاب **مسند احمد**، ج ۲: ۳۷۷ و **المعجم الاوسط**، ج ۲: ۲۱۸ و به صورت مسند در خبری از **انس بن مالک** از رسول‌الله (ص) در کتاب **مسند احمد**، ج ۳: ۱۷۰ در منابع دیگر نیز آمده است.
۲. **أَتْرُكُوا التُّرْكَ مَا تَرَكُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَصْحَابُ بَأْسٍ شَدِيدٍ.** (جهانگشا، ج ۱: ۱۱، س ۲۱)  
این خبر با عبارات: **أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ (ع) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ تَارَكُوا التُّرْكَ مَا تَرَكُوهُمْ فَانْ كَلِبْهُمُ شَدِيدٌ وَ كَلِبْهُمُ خَسِيسٌ.** در کتاب **علل الشرائع**، ج ۲:

۳۹۲ و با عبارات: املی علينا أبو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان رحمه الله، قال و حدثنا أبو الطيب، قال حدثنا محمد بن القاسم الأنباري، قال حدثني أبي، قال حدثنا العنزي، قال أبو بكر و قد سمعت هذا الحديث من العنزي، و قرأته عليه، قال حدثني ابراهيم بن مسلم، قال حدثنا عبدالمجيد بن عبدالعزيز بن أبي رواد، عن مروان بن سالم، قال حدثنا الأعمش، عن أبي وائل و زيد بن وهب، عن حذيفة بن اليمان، قال قال رسول الله صلى الله عليه و آله تاركوا الترك ما تركوكم، فإن أول من يسلب أمتي ملكها و ما خولها الله لبنو قنطور بن كركره، و هم الترك. در کتاب الأماليلطوسي: ۶ وارد شده است.

همچنین این خبر تا (ما ترکوكم) به صورت مسند در خبری از عبدالله بن مسعود از رسول الله (ص) در کتاب المعجم الكبير، ج ۱۰: ۱۸۱ و به صورت مسند از ذی الکلاع الحمیری از رسول الله (ص) در کتاب اسد الغابه، ج ۲: ۱۴۳ و با شرح طرق در کتاب كشف الخفاء، ج ۱: ۳۸ وارد شده است. این خبر أيضاً تا (ما ترکوكم) در منابع دیگر نیز آمده است.

۳. اذْكُرُوا الْفَاسِقَ بِمَا فِيهِ. (جهانگشا، ج ۲: ۲۶۳، س ۹)

برای این خبر در منابع شیعه مأخذی یافت نشد.

اما این خبر به صورت مسند از رسول الله (ص) با اضافه (يحذره الناس) در کتاب النصائح الكافية ۱۵۰ و با بدل (الفاسيق) به (الفاجر) و اضافه (يحذره الناس) با شرح طرق، در کتاب كشف الخفاء، ج ۱: ۱۰۶ و مثل آن با تفاوت در متن در خبری از رسول الله (ص) با ذکر طرق مختلف در کتاب كنز العمال، ج ۳: ۵۹۵ و مثل آن به صورت مسند با تفاوت در متن، در ضمن خبری از بهز بن حكيم از پدرش از جدش از رسول الله (ص)، در کتاب كتاب المجروحين، ج ۱: ۲۲۰ وارد شده است. این خبر به طرق مختلف در منابع دیگر نیز آمده است.

۴. اِشْتَدَّتْ [ اِزْمَةٌ ] تَفْفَرِجِي. (جهانگشا، ج ۳: ۱۴، س ۷)

برای این خبر در منابع شیعی مأخذی یافت نشد.

اما این خبر به صورت مسند از امام علی (ع) از رسول الله (ص) در کتاب مسند الشهاب، ج ۱: ۴۳۶ و ۴۳۷ و کتاب میزان الاعتدال، ج ۱: ۵۳۹ و با شرح طرق در کتاب

کشف الخفاء، ج ۱: ۱۲۷ و در منابع دیگر نیز آمده است.

۵. أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ. (جهانگشا، ج ۱: ۹، س ۲۳)

این خبر با عبارات: قال الصادق (ع) العلم أصل كل حال سنی و منتهی كل منزلة رفيعة و لذلك قال النبي (ص) طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة علم التقوى و اليقين و قال على (ع) اطلبوا العلم و لو بالصين فهو علم معرفة النفس و فيه معرفة الرب عز و جل... الخبر. در كتاب مصباح الشريعه: ۱۳ و با این عبارات: قال رسول الله (ص) اطلبوا العلم و لو بالصين فان طلب العلم فريضة على كل مسلم. روضة الواعظين، ج ۱: ۱۱ و بدون اسناد از رسول الله (ص) در كتاب عوالي اللآلی، ج ۴: ۷۰ وارد شده است.

و نیز این خبر به صورت مسند در ضمن خبری از انس بن مالك از رسول الله (ص) در كتاب ضعفاء العقيلي، ج ۲: ۲۳۰ و به صورت مسند از انس بن مالك از رسول الله (ص) در كتاب المجروحين، ج ۱: ۳۸۲ و با شرح طرق در خبری از رسول الله (ص) در كتاب كشف الخفاء، ج ۱: ۱۳۸ وارد شده است. این خبر در منابع دیگر نیز آمده است.

۶. الْبَلَاءُ مَوَكَّلٌ بِالْأَنْبِيَاءِ ثُمَّ الْأَوْلِيَاءِ ثُمَّ الْأَمْثَلِ فَلِأَمْثَلِ. (جهانگشا، ج ۱: ۵۴، س ۱۴)

این خبر با عبارات: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَلِأَمْثَلِ. در كتاب الكافي، ج ۲: ۲۵۲ و با این عبارات: ... إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ (ع) أَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً النَّبِيُّونَ ثُمَّ الْوَصِيُّونَ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَلِأَمْثَلِ وَ إِنَّمَا يُبْتَلَى الْمُؤْمِنُ عَلَى قَدْرِ أَعْمَالِهِ الْحَسَنَةِ فَمَنْ صَحَّ دِينُهُ وَ حَسُنَ عَمَلُهُ اشْتَدَّ بَلَاؤُهُ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَجْعَلِ الدُّنْيَا نَوَابِئًا لِلْمُؤْمِنِ وَ لَا عِقُوبَةً لِلْكَافِرِ وَ مَنْ سَخَفَ دِينَهُ وَ ضَعَفَ عَمَلُهُ قَلَّ بَلَاؤُهُ وَ أَنَّ الْبَلَاءَ أَسْرَعُ إِلَى الْمُؤْمِنِ التَّقِيِّ مِنَ الْمَطْرِ إِلَى قَرَارِ الْأَرْضِ. در كتاب الكافي، ج ۲: ۲۵۹ و با این عبارات: و قد قال النبي (ص) أشد الناس بلاء الأنبياء ثم الأولياء ثم الأمثل فالأمثل. در كتاب مسكن الفؤاد: ۱۳ وارد شده است. مجلسی نیز در بحار، ج ۷۸، ص ۱۹۴ از مسكن الفؤاد نقل نموده است.

همچنین این خبر به صورت مسند در خبری از مصعب بن سعد از پدرش، از

رسول الله (ص) در کتاب مسند احمد، ج ۱: ۱۷۲ و سنن الترمذی، ج ۴: ۲۸ و با شرح طرق در کتاب کشف الخفاء، ج ۱: ۱۳۰ و در منابع دیگر نیز آمده است.

۷. الْحَرْبُ خُدْعَةٌ. (جهانگشا، ج ۱: ۱۵۲، س ۲)

این خبر با عبارات: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ كَأُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ (ع) أَنَّ عَلِيًّا (ع) كَانَ يَقُولُ لِأَنَّ تَخَطَّفَنِي الطَّيْرُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقُولَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) مَا لَمْ يَقُلْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ فِي يَوْمِ الْخَنْدَقِ الْحَرْبُ خُدْعَةٌ يَقُولُ تَكَلَّمُوا بِمَا أَرَدْتُمْ. در کتاب تهذیب الأحکام، ج ۶: ۱۶۲ و با عبارات: ... \_ الحرب خدعه... در کتاب الأملیللطوسی: ۲۶۱ وارد شده است. این خبر به طرق مختلف در منابع دیگر نیز آمده است.

و نیز این خبر به صورت مسند از امام علی (ع) از رسول الله (ص) در کتاب مسند احمد، ج ۱: ۱۲۶ و ۹۰ و به صورت مسند از ابی هریره از رسول الله (ص) در همان منبع، ج ۲: ۳۱۲ و صحیح البخاری، ج ۴: ۲۴ و به صورت مسند از جابر بن عبدالله از رسول الله (ص) در صحیح البخاری، ج ۴: ۲۴ و در منابع دیگر نیز آمده است.

۸. الْعَفْوُ عِنْدَ الْقُدْرَةِ مِنْ مَوَاجِبِ الْكُرْمِ. (جهانگشا، ج ۳: ۴۸، س ۱۴)

این خبر همراه با شرح در کتاب مصباح الشریعه: ۱۸۵ آمده است. مجلسی در کتاب بحار، ج ۶۸: ۴۲۳ و نوری نیز در مستدرک الوسائل، ج ۹: ۵ این خبر را از مصباح، نقل نموده‌اند.

همچنین عبارت (العفو عند القدرة) به صورت مسند در خبری از عمر بن عبد العزیز در کتاب تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۱: ۱۰۰ و الطبقات الكبرى، ج ۵: ۴۰۲ وارد شده است. این عبارت به صورت قول در منابع دیگر نیز آمده است.

۹. الْمُتَشَبِّعُ بِمَا لَيْسَ عِنْدَهُ كَلَابِسُ ثَوْبِي زُورٍ. (جهانگشا، ج ۳: ۲۴۰، س ۱۱)

این خبر با عبارت: ففی الخبر المشهور المشتبِع بما لم يعط كلابس ثوبي زور. در کتاب منیة المرید: ۱۷۹، و با عبارت: و قد قال النبی (ص) المتشبع بما لم يعط كلابس ثوبي زور. در ص ۲۱۷، همان کتاب و با عبارت: قَالَتْ أَسْمَاءُ سَمِعْتُ امْرَأَةً تَسْأَلُ

رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَتْ إِنَّ لِي ضَرَّةً وَ أَنَا أَتَكْتَرُ مِنْ زَوْجِي بِمَا لَا يَفْعَلُ أَضَارَهَا بِذَلِكَ فَهَلْ لِي فِيهِ شَيْءٌ فَقَالَ الْمُتَشَبِّعُ بِمَا لَمْ يُعْطَ كَلَابِسِ تَوْبِي زُورٍ. در بحار الأنوار، ج ۶۹: ۲۵۵ وارد شده است. مجلسی در بحار، ج ۲: ۱۲۳ از کتاب منبیه المرید: ۲۱۷ آن را نقل کرده و شرح کرده است.

مثل این خبر نیز به صورت مسند در خبری از عائشه از رسول الله (ص) در کتاب مسند احمد، ج ۶: ۱۶۷ و صحیح مسلم، ج ۶: ۱۶۸ و ۱۶۹ و به صورت مسند در خبری از اسماء بنت ابی بکر از رسول الله (ص) در کتاب مسند احمد، ج ۶: ۳۴۵ صحیح مسلم، ج ۶: ۱۶۸ و ۱۶۹ و صحیح البخاری، ج ۶: ۱۵۶ وارد شده است.

۱۰. النَّاسُ بِزَمَانِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ. (جهانگشا، ج ۱: ۵، س ۲۳)

این خبر بدون اسناد از امام علی (ع) در کتاب خصائص الأئمة (ع): ۱۱۵ و أيضاً از امام علی (ع) با بدل (بزمانهم) به (بأمرائهم) در کتاب تحف العقول: ۲۰۸ وارد شده است. مجلسی در بحار، ج ۷۵: ۴۶ از تحف نقل نموده است.

همچنین این خبر بدون اسناد از امام علی (ع) در کتاب های: شرح نهج البلاغه، ج ۲۰۹: ۱۹، مناقب خوارزمی: ۳۷۵ (منقول از جاحظ)، تذکرة الموضوعات: ۱۸۲ (با شرح) و کشف الخفاء، ج ۲: ۳۱۱ (با شرح) وارد شده است. این خبر بدون اسناد از امام علی (ع) در منابع دیگر نیز آمده است.

۱۱. النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا اتَّبَهُوا. (جهانگشا، ج ۱: ۱۳، س ۱۵)

این خبر بدون اسناد از رسول الله (ص) در کتاب های عوالی اللالی، ج ۴: ۷۳، مجموعه ورام، ج ۱: ۱۵۰ و بحار الأنوار، ج ۵۰: ۱۳۴ و بدون اسناد از امام علی (ع) در کتاب بحار الأنوار، ج ۷۰: ۳۹ و خصائص الأئمة: ۱۱۲ وارد شده است.

و نیز این خبر بدون اسناد از امام علی (ع) در کتاب مناقب خوارزمی: ۳۷۵ (منقول از جاحظ) و کشف الخفاء، ج ۲: ۳۱۲ (با شرح) و بدون اسناد از رسول الله (ص) در تفسیر ثعالبی، ج ۵: ۲۸۶ وارد شده است. این خبر بدون اسناد از امام علی (ع) در منابع دیگر نیز آمده است.

۱۲. أَمِرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. (جهانگشا، ج ۳: ۱۹۸، س ۱)



این خبر با عبارات: قال النبي (ص) أمرت أن أقاتل الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله فإذا قالوها فقد حرم على دماءهم و أموالهم. در کتاب عیون أخبار الرضا (ع)، ج ۲: ۶۴ و با عباراتی دیگر در کتاب دعائم الإسلام، ج ۲: ۴۰۲ وارد شده است. مجلسی در کتاب بحار، ج ۶۵، ص ۲۴۲ آن را از عیون نقل و شرح نموده است این خبر در منابع دیگر نیز آمده است.

همچنین این خبر به صورت مسند در خبری از ابی هریره از رسول الله (ص) در کتاب مسند احمد، ج ۱: ۱۱ به صورت مسند ضمن خبری از عمر از رسول الله (ص) در کتاب مسند احمد، ج ۱: ۳۵ و به صورت مسند ضمن خبری از انس بن مالک از رسول الله (ص) در کتاب مسند احمد، ج ۳: ۱۹۹ و به صورت مسند در خبری از ابن عمر از رسول الله (ص) در کتاب صحیح البخاری، ج ۱: ۱۱ وارد شده است. این خبر به طرق متعدد در منابع دیگر نیز آمده است.

۱۳. إِنَّ اللَّهَ لَيُؤَيِّدُ هَذَا الدِّينَ بِقَوْمٍ لَا خَلَاقَ لَهُمْ. (جهانگشا، ج ۱: ۱۱، س ۱۰)

این خبر به صورت: قد قال النبي (ص) إن الله ليؤيد هذا الدين بقوم لا خلاق لهم و بالرجل الفاجر. در کتاب الصراط المستقیم، ج ۳: ۸۱ و مثل آن در خبری از امام صادق (ع) از رسول الله (ص) در کتاب دعائم الإسلام، ج ۱: ۳۴۱ وارد شده است. مجلسی نیز در بحار، ج ۹۷: ۴۸ از دعائم نقل نموده است.

و نیز مثل این خبر به صورت مسند از انس بن مالک از رسول الله (ص) در کتاب های: صحیح ابن حبان، ج ۱۰: ۳۷۶ المعجم الصغير، ج ۱: ۵۱ وارد شده است. این خبر در منابع دیگر نیز آمده است.

۱۴. جُبِلَتِ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا وَ بُغْضِ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا. (جهانگشا، ج ۱: ۱۹۶، س ۱۵)

این خبر با عبارات: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ جُبِلَتِ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ يَنْفَعُهَا وَ بُغْضِ مَنْ أَضَرَّ بِهَا. در کتاب الکافی، ج ۸: ۱۵۲ و بدون اسناد از رسول الله (ص)، در کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴: ۳۸۱ و ۴۱۹ وارد شده است. شیخ حر در کتاب وسائل الشیعة، ج ۱۶: ۱۸۵ از کافی نقل

نموده و به دیگر طرق نیز اشاره نموده است.

در کتب اهل سنت نیز این خبر به صورت مستند از عبدالله بن مسعود از رسول الله (ص) در کتاب مسند الشهاب، ج ۱: ۳۵۰ و ۳۵۱ و با نقل طرق و شرح، در کتاب کشف الخفاء، ج ۱: ۳۳۰ وارد شده است. این خبر در منابع دیگر نیز آمده است.

۱۵. جَفَّ الْقَلَمُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ. (جهانگشا، ج ۱: ۵۲، س ۱۹)

این خبر به شکل خبری بلند در کتاب الأمالیلطوسی: ۵۳۶ و با عبارات دیگر در کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴: ۴۱۲ و در منابع دیگر شیعی نیز آمده است.

همچنین این خبر به صورت مسند در خبری از ابن عباس از رسول الله (ص) در کتاب مسند احمد، ج ۱: ۳۰۷، به صورت مسند در خبری از عبدالله بن عمرو از رسول الله (ص) در کتاب مسند احمد، ج ۲: ۱۹۷ به صورت مسند در خبری از عبدالله بن جعفر از رسول الله (ص) در کتاب السنة: ۱۳۷ و ۱۳۸ و با شرح و نقل طرق در کتاب کشف الخفاء، ج ۱: ۳۰۷، وارد شده است. این خبر در منابع دیگر اهل سنت نیز آمده است.

۱۶. حَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَرْفَعَ شَيْئاً إِلَّا وَ يَضَعُهُ. (جهانگشا، ج ۳: ۱۳۷، س ۱۲)

این خبر با عبارات: حَقّاً عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَرْفَعَ شَيْئاً إِلَّا وَ يَضَعُهُ. (جهانگشا، ج ۳: ۱۳۷، س ۱۲) در کتاب عوالی اللالی، ج ۳: ۲۶۵ و به صورت: قَالَ أَنَسُ كَانَتْ نَاقَةُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) الْعَضْبَاءُ لَا تَسْبِقُ فِجَاءَ أَعْرَابِي بِنَاقَةٍ فَسَبَقَهَا فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنَّهُ حَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَرْفَعَ شَيْئاً إِلَّا وَ يَضَعُهُ. در کتاب مجموعه ورام، ج ۱: ۱۳۳ وارد شده است. نوری نیز در مستدرک الوسائل، ج ۱۴: ۸۰ از عوالی نقل نموده است. همچنین به شکل دو خبر بالا بدون اسناد در کتاب بحار الأنوار، ج ۶۰: ۱۴ وارد شده است.

همچنین این خبر با اضافه (من الدنيا) بعد از (شیئاً) به صورت مسند در خبری از انس از رسول الله (ص) در کتاب سنن ابی داود، ج ۲: ۴۳۷ و سنن الکبری، ج ۱۰: ۱۶ و ۱۷ و با اضافه (من الأرض) بعد از (شیئاً) به صورت مسند در خبری از ابی هریره از رسول الله (ص) در کتاب سنن الدار قطنی، ج ۴: ۲۰۴ و در منابع دیگر اهل

سنت نیز آمده است.

۱۷. خَلِقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَجْسَادِ. (جهانگشا، ج ۳: ۱۲، س ۸)

این خبر ضمن عبارتی در کتاب *الأمالی للمفید*: ۱۱۳ و به صورت مسند در خبری از امام صادق (ع) در کتاب *معانی الأخبار*: ۱۰۸ و به صورت مسند در خبری از امام علی (ع) در کتاب *الجعفریات*: ۲۴۶، وارد شده است. این خبر در منابع دیگر شیعی نیز آمده است.

در منابع عامه نیز این خبر به صورت مسند در خبری از امام علی (ع) از رسول الله (ص) در کتاب *الموضوعات*، ج ۱: ۴۰۱ (با شرح) و *لسان المیزان*، ج ۳: ۲۶۲ و بدون اسناد در خبری از ابن عباس با شرح در کتاب *کشف الخفاء*، ج ۱: ۱۱۳ وارد شده است.

۱۸. دَعُوها فَأَنتِها مُؤمِنَةٌ..... (جهانگشا، ج ۳: ۱۹۸، س ۴)

دنباله عبارت مذکور یعنی جمله: (علیکم بدین العجائز). بدون اسناد از رسول الله (ص) در کتاب *بحار*، ج ۶۶: ۱۳۵ وارد شده است.

همچنین عبارت (علیکم بدین العجائز) بدون اسناد از رسول الله (ص) در کتاب *السير الکبیر*، ج ۱: ۳۷ و با شرح و نقل طرق در کتاب *کشف الخفاء*، ج ۲: ۷۰ نیز وارد شده است.

۱۹. زَرَعُوا الْفُجُورَ وَ سَقَوْهُ الْغُرُورَ فَحَصَدُوا الثُّبُورَ. (جهانگشا، ج ۳: ۲۴۸، س ۱۴)

این عبارت در خطبه ۲ نهج البلاغه، در ص ۴۷ وارد شده است. مجلسی نیز در *بحار*، ج ۲۳: ۱۱۷ از او نقل نموده است.

همچنین این خبر به صورت منقول از نهج البلاغه، در کتاب *ینابیع المودة لدوی القربی*، ج ۳: ۴۴۹ و شرح نهج البلاغه، ج ۱: ۱۳۸ وارد شده است.

۲۰. زُویتَ لِي الْأَرْضُ فَأَرِيتُ مَشَارِقَهَا وَ مَغَارِبَهَا وَ سَبَّيْتُ مَلِكُ أُمَّتِي مَازَوِي لِي مِنْهَا. (جهانگشا، ج ۱: ۹، س ۵)

این خبر بدون اسناد از رسول الله (ص) در کتاب *المناقب*، ج ۱: ۱۱۲ نقل شده است. مجلسی نیز در *بحار*، ج ۱۸: ۱۳۶ از او نقل نموده است.

همچنین مثل این خبر به صورت مسند از شداد بن اوس از رسول الله (ص) در کتاب مسند احمد، ج ۴: ۱۲۳ و به صورت مسند در ضمن خبری از ثوبان از رسول الله (ص) در کتاب مسند احمد، ج ۵: ۲۷۸، صحیح مسلم، ج ۸: ۱۷۱ و السنن الكبرى، ج ۹: ۱۸۱ و در منابع دیگر اهل سنت نیز آمده است.

۲۱. سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ لَا يَبْعَثَ عَلَيَّ أُمَّتِي عَذَابًا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ فَأَعْطَانِي ذَلِكَ وَسَأَلْتُهُ أَنْ لَا يَجْعَلَ بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ فَمَنْعَنِي وَأَخْبَرَنِي أَنَّ فَنَاءَ أُمَّتِي بِالسَّيْفِ. (جهانگشا، ج ۱: ۱۳، ۱۶-۱۷-۱۸)

این خبر با عبارت: فِي تَفْسِيرِ الْكَلْبِيِّ أَنَّهُ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ قَامَ النَّبِيُّ (ص) فَتَوَضَّأَ وَ أَسْبَغَ وَضُوءَهُ ثُمَّ قَامَ وَ صَلَّى فَأَحْسَنَ صَلَاتَهُ ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْ لَا يَبْعَثَ عَلَيَّ أُمَّتِي عَذَابًا مِنْ فَوْقِهِمْ وَلَا مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَلَا يُلْبِسَهُمْ شَيْعًا وَلَا يَذِيقَ بَعْضَهُمْ بَأْسَ بَعْضٍ فَنَزَلَ جِبْرَائِيلُ (ع) فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَمِعَ مَقَالَتَكَ وَإِنَّهُ قَدْ أَجَارَهُمْ مِنْ خَصَلْتَيْنِ وَ لَمْ يُجْرَهُمْ مِنْ خَصَلْتَيْنِ أَجَارَهُمْ مِنْ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْهِمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِهِمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَ لَمْ يُجْرَهُمْ مِنَ الْخَصَلْتَيْنِ الْأُخْرَيَيْنِ فَقَالَ (ص) يَا جِبْرَائِيلُ فَمَا بَقَاءُ أُمَّتِي مَعَ قَتْلِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا فَقَامَ وَ عَادَ إِلَى الدُّعَاءِ فَنَزَلَ أَلَمْ أَحْسَبِ النَّاسَ... الْآيَتَيْنِ فَقَالَ لَا بُدَّ مِنْ فِتْنَةٍ تُبْتَلَى بِهَا الْأُمَّةُ بَعْدَ نَبِيِّهَا لِيُبَيِّنَ الصَّادِقُ مِنَ الْكَاذِبِ لِأَنَّ الْوَحْيَ انْقَطَعَ وَ بَقِيَ السَّيْفُ وَ افْتِرَاقُ الْكَلِمَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. در بحار الأنوار، ج ۹: ۸۸ وارد شده است.

این خبر با تفاوت در متن به صورت مسند در خبری از الحسن از رسول الله (ص) در کتاب جامع البيان، ج ۷، صص ۲۹۲ و ۲۹۳ و أيضاً با تفاوت در متن به صورت مسند در خبری از ابن عباس از رسول الله (ص) در کتاب الدر المنثور، ج ۳: ۱۷ و تفسیر ابن کثیر، ج ۲: ۱۴۷ وارد شده است.

۲۲. سَافِرُوا تَعْمُوا. (جهانگشا، ج ۳: ۶۳، س ۱۰)

این خبر با عبارت: أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي عَثْمَانُ بْنُ عِيسَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ سَافِرُوا تَصْحُوا سَافِرُوا تَعْمُوا. در کتاب المحاسن، ج ۲: ۳۴۵ و با عبارات: عَنْ عَلِيٍّ (ع) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ سَافِرُوا تَعْمُوا وَ صَوْمُوا تَصْحُوا وَ اغْزُوا تَعْمُوا وَ حَجُّوا تَسْتَعْمُوا. در کتاب دعائم الإسلام، ج ۱: ۳۴۲ و بدون اسناد

از رسول الله (ص) در کتاب *عوالی اللالی*، ج ۱: ۲۶۷ وارد شده است.

در منابع اهل سنت نیز این خبر بدون اسناد از رسول الله (ص) در کتاب *مفردات غریب القرآن*: ۲۴۷ و با تفاوت در متن با شرح طرق به شکلی دیگر در کتاب *کشف الخفاء*، ج ۱، ص ۴۴۵ و با عبارت (سافروا تصحوا و تغنموا) به صورت مسند از ابن عباس از رسول الله (ص) در کتاب *السنن الکبری*، ج ۷: ۱۰۲ و با همان عبارت به صورت مسند از ابن عمر از رسول الله (ص) در کتاب *مسند الشهاب*، ج ۱: ۳۶۴ وارد شده است.

۲۳. *سُتْفِتِحُ مَدِينَةُ بَخْرَاسَانَ خَلْفَ نَهْرٍ يُقَالُ لَهُ جَيْحُونُ تُسَمَّى بُخَارَا مَحْفُوفَةً بِالرَّحْمَةِ مَحْفُوفَةً بِالْمَلَائِكَةِ مَنْصُورًا أَهْلِهَا.* (جهانگشا، ج ۱: ۷۴، س ۱۰ تا ۱۵)

در منابع شیعی برای این خبر مأخذی یافت نشد، اما مثل این خبر به صورت مسند از حذیفه بن الیمان از رسول الله (ص) [با عبارتی اضافه از حذیفه در آخر] در کتاب *معجم البلدان*، ج ۱: ۳۵۴ وارد شده است.

۲۴. *صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَ صَلَّةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ.* (جهانگشا، ج ۳: ۶۵، س ۷)

قسمتی از این خبر به شکل: *حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رضي الله عنه قال حدثنا محمد بن الحسن الصفار عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن ابن أسباط عن علي بن أبي حمزة عن أبي بصير عن أبي عبدالله (ع) قال قال رسول الله (ص) صَلَّةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ وَ صَدَقَةُ السَّرِّ تَطْفِي غَضَبَ الرَّبِّ وَ إِنْ تَقَطَّعَ الرَّحِمُ انْقَطَعَ النَّسْلُ.* در کتاب *معانی الأخبار*: ۲۶۴ و هر دو قسمت در دو خبر به صورت مسند از امام علی (ع) از رسول الله (ص) در کتاب *النوادر للراوندي*، صص ۲ و ۶ وارد شده است؛ البته مضمون این خبر در روایات دیگری در مأخذ شیعی نیز وارد شده است.

همچنین قسمت اول خبر یعنی (صلوا ارحامکم) به صورت مسند در دو خبر از ابن عباس و ابی الطفیل، از رسول الله (ص) در کتاب *مجمع الزوائد*، ج ۸: ۱۵۲ و قسمت اول خبر با مضمون قسمت دوم به صورت مسند در خبری از ابن عباس از رسول الله (ص) در کتاب *منتخب مسند عبد بن حمید*: ۲۰۰ و قسمت دوم خبر در دو

خبر از ابی امامه و معاویه بن حیده از رسول الله (ص) در کتاب مجمع الزوائد، به ترتیب در ج ۳: ۱۱۵ و ج ۸: ۱۹۴ وارد شده است. مضمون این خبر در منابع دیگر عامه نیز آمده است.

۲۵. عَرَفْتُ رَبِّي بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ وَ نَقْضِ الْهَمَمِ. (جهانگشا، ج ۲: ۲۷۳، س ۳)

این خبر از امام علی (ع) به صورت: وَقَالَ (ع) عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ وَ حَلِّ الْعُقُودِ وَ نَقْضِ الْهَمَمِ. در نهج البلاغه: ۵۱۱، و به صورت: عُرِفَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ وَ حَلِّ الْعُقُودِ وَ كَشْفِ الضَّرِّ وَ الْبَلِيَّةِ عَمَّنْ أَخْلَصَ لَهُ النِّيَّةَ. در غررالحکم: ۸۱ و به صورت: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) قَامَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَاذَا عَرَفْتَ رَبَّكَ قَالَ بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ وَ مَنَعَ الْهَمَةَ لِمَا أَنْ هَمَمْتَ بِأَمْرِ فَحَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَ هِمَّتِي وَ عَزَمْتَ فَخَالَفَ الْقَضَاءَ عَزَمِي عَلِمْتُ أَنَّ الْمَدْبِرَ غَيْرِي قَالَ فِيمَاذَا شَكَرْتَ نِعْمَاءَهُ قَالَ نَظَرْتُ إِلَى بَلَائِهِ قَدْ صَرَفَهُ عَنِّي وَ أَبْلَى بِهِ غَيْرِي عَلِمْتُ أَنَّهُ قَدْ أَنْعَمَ عَلَيَّ فَشَكَرْتَهُ؛ در روضه الواعظین، ج ۱: ۳۰ وارد شده است.

این خبر به صورت منقول از نهج البلاغه در کتاب شرح نهج البلاغه، ج ۱۹: ۸۴ وارد شده است.

۲۶. لَنْ يُغْلِبَ عَشْرُ يُسْرِينَ. (جهانگشا، ج ۱: ۱۴۱، س ۱۰)

مثل این خبر به صورت مسند در خبری از ابن عباس در کتاب تفسیر فرات الکوفی: ۵۷۴ و بدون اسناد از او در کتاب متشابه القرآن، ج ۲: ۱۴۳ وارد شده است.

همچنین این خبر به صورت مسند در خبری از الحسن از رسول الله (ص) در کتاب المستدرک، ج ۲: ۵۲۸ و به صورت مسند در خبری از ابن مسعود از رسول الله (ص) (همراه با چند طریق دیگر) در کتاب فتح الباری، ج ۸: ۵۴۷ و با شرح مفصل راجع به طرق خبر در کتاب کشف الخفاء، ج ۲: ۱۴۹ وارد شده است.

۲۷. لَوْ كُشِفَ الْغَطَاءُ مَا زِدْتُ يَقِينًا. (جهانگشا، ج ۱: ۵۴، س ۵)

این خبر بدون اسناد از امام علی (ع) در کتاب های المناقب، ج ۲: ۳۸، غررالحکم، ص ۱۱۹، الطرائف، ج ۲: ۵۱۲، الصراط المستقیم، ج ۱: ۲۳۰، الألفین: ۱۴۷، إرشاد القلوب، ج ۱: ۱۲۴ و در ضمن خبری از امام علی (ع) در کتاب الفضائل: ۱۳۷

وارد شده است.

این خبر بدون اسناد از امام علی (ع) در کتاب حاشیه السندی علی النسائی، ج ۸: ۹۶ و شرح نهج البلاغه، ج ۷: ۲۵۳، ج ۱۰: ۱۴۲، ج ۱۱، صص ۱۷۹ و ۲۰۲ و ج ۱۳: ۸ وارد شده است.

۲۸. مَا يَزَعُ السُّلْطَانُ. (جهانگشا، ج ۱: ۱۲، س ۲۱)

این عبارت به عنوان قول در کتاب کمال الدین، ج ۱: ۵ وارد شده است. این عبارت به عنوان حدیث در کتاب تاج العروس، ج ۵: ۵۴۰، لسان العرب، ج ۸، ص ۳۹۰ و النهایه فی غریب الحدیث، ج ۵: ۱۸۰ و با بدل (السلطان) به (الإمام) به صورت مسند از مالک از عثمان بن عفان در کتاب تفسیر القرطبی، ج ۶: ۳۲۵ وارد شده است.

۲۹. مَنْ قُتِلَ دُونَ نَفْسِهِ وَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ. (جهانگشا، ج ۲: ۵۵، س ۴)

این خبر با عبارات: رَوَى الْعَلَاءُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ. در کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴: ۹۵ و با همین عبارت در خبری بلند به صورت مسند از أعمش از امام صادق (ع) در کتاب الخصال، ج ۲: ۶۰۷ نقل شده است. این خبر با حذف (نفسه) به صورت مسند از امام حسین (ع) از رسول الله (ص) در کتاب مسند احمد، ج ۱، صص ۷۸ و ۷۹، أيضاً با حذف (نفسه) به صورت مسند از عبدالله بن عمرو از رسول الله (ص) در کتاب صحیح البخاری، ج ۳: ۱۰۸، با تفاوت در متن به صورت مسند در خبری از امام علی (ع) از رسول الله (ص) در کتاب تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۳: ۱۶۶ و با تفاوت در متن به صورت مسند در خبری از ابن عباس از رسول الله (ص) در کتاب بغیة الباحث: ۲۰۱ و در منابع دیگر اهل سنت نیز آمده است.

۳۰. مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يُبَايِعْ إِمَامًا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً. (جهانگشا، ج ۲: ۱۲۱، س ۲۱)

این خبر به گونه‌های مختلف در منابع شیعی از جمله الکافی، ج ۸: ۱۴۶ آمده است.

همچنین این خبر با عبارت (من مات بغير امام مات ميتة جاهلية) به صورت

مسند از معاویه از رسول الله (ص) در کتاب مسند احمد، ج ۴: ۹۶ و با عبارت (من مات و لیس فی عنقه بیعة مات میتة جاهلیة) به صورت مسند از عبدالله بن عمر از رسول الله (ص) در کتاب صحیح مسلم، ج ۶: ۲۲ و السنن الکبری، ج ۸: ۱۵۶ وارد شده است؛ البته این خبر با عبارات مختلف در منابع دیگر اهل سنت نیز آمده است.

۳۱. وَ السَّعِيدُ مَنْ اتَّعَظَ بِسِوَاهُ. (جهانگشا، ج ۱: ۲۰۳، س ۴)

این خبر با عبارت (السَّعِيدُ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ) به صورت مسند در خبری از سعید بن المسیب از امام سجاد (ع) در کتاب الکافی، ج ۸: ۷۴ و به صورت مسند در خبری از امام صادق (ع) از رسول الله (ص) در همان منبع: ۸۱ و به صورت مسند در خبری از ابی صباح الکنانی از امام صادق (ع) در کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴: ۴۰۲ وارد شده است. این خبر با عبارت فوق در منابع دیگر نیز آمده است.

همچنین این خبر با عبارت (السعيد من وعظ بغيره) به صورت مسند در خبری از عبدالله بن مسعود از رسول الله (ص) در کتاب سنن ابن ماجه، ج ۱: ۱۸ و کتاب مسند الشهاب، ج ۱، ص ۷۹ و ۸۰ و با همان عبارت به صورت مسند در خبری از عائشه از رسول الله (ص) در کتاب مسند الشهاب، ج ۱: ۶۶ و در منابع دیگر نیز آمده است.

۳۲. كُلُّ مُبَيَّرٍ لِمَا خُلِقَ لَهُ. (جهانگشا، ج ۳: ۱۹، س ۱۰)

این عبارت بدون اسناد از رسول الله (ص) در کتاب بحار الأنوار، ج ۴: ۲۸۲ و در کتاب التوحید: ۳۵۶ و با عبارات: قال النبی (ص) اطلبوا و لا تملوا فکل میسر لما خلق له. در کتاب عوالی اللالی، ج ۴: ۲۲ و با عبارات: قال النبی (ص) اعلموا فکل میسر لما خلق له. در کتاب نهج الحق: ۱۲۰ وارد شده است.

همچنین قسمت دوم عبارت به صورت مسند در دو خبر از ابی بکر و سراقه بن مالک از رسول الله (ص) در کتاب مسند احمد، به ترتیب در ج ۱: ۶ و ج ۳۲: ۳۴ و أيضاً قسمت دوم به صورت مسند در خبری از امام علی (ع) از رسول الله (ص) در کتاب صحیح البخاری، ج ۶، ص ۸۶ و صحیح مسلم، ج ۸: ۴۷ وارد شده است. این خبر در منابع دیگر نیز آمده است.



۳۳. يُنْحَدِرُ عَنِّي السَّبِيلُ وَلَا يَرْفَعُ إِلَيَّ الطَّيْرُ. (جهانگشا، ج ۳: ۱۲۳، س ۱۰)  
این عبارت به صورت مسند در خبری از ابن عباس از امام علی (ع) در کتاب  
علل الشرائع، ج ۱: ۱۵۰ و به صورت مسند در خبری از ابن عباس و امام حسین (ع)  
از امام علی (ع) در کتاب الأمالي لطلوسى: ۳۷۲ و بدون اسناد در خبری از امام علی (ع)  
در کتاب نهج البلاغه، ص ۴۸، ج ۳ وارد شده است. این خبر در منابع دیگر نیز آمده  
است.

در منابع اهل سنت این خبر تنها به صورت منقول از نهج البلاغه در  
شرح نهج البلاغه، ج ۱: ۱۵۱ وارد شده است.

### فهرست منابع:

- ابن ابی الحدید. شرح نهج البلاغه. دار احیاء الکتب العربیة، منشورات مکتبه آیة الله  
العظمی المرعشی النجفی، ۲۰ جلد.
- ابن سعد. الطبقات الکبری. بیروت: دار صادر، ۸ جلد.
- ابن عساکر. تاریخ مدینة دمشق. بیروت: دار الفکر، ۷۰ جلد.
- ابن کثیر. أسد الغابة. تهران: اسماعیلیان، ۵ جلد.
- \_\_\_\_\_ . النهاية في غريب الحديث. قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۵ جلد.
- ابن محمد عبد بن حمید. المنتخب مسند عبد بن حمید. مکتبه النهضة العربیة.
- ابن منظور (العلامة). لسان العرب. بیروت: نشر أدب الحوزة، ۱۵ جلد.
- احمد بن حنبل (الامام). مسند احمد. بیروت: دار صادر، ۶ جلد.
- البخاری. محمد بن اسماعیل. صحیح البخاری. بیروت: دار الفکر، ۸ جلد.
- البستی، محمد بن حبان. المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین.  
محقق: محمد ابراهیم زاید، ۳ جلد.
- البیهقی، احمد بن الحسین بن علی. السنن الکبری للبیهقی. بیروت: دار الفکر، ۱۰ جلد.
- الترمذی، محمد بن عیسی. سنن الترمذی. بیروت: دار الفکر، ۵ جلد.
- الدار قطنی، ابی الحسن علی بن عمر بن احمد بن مهدی. علل الدار قطنی

- «العلل الواردة في الأحاديث النبوية»، الرياض: دارطبيبة، ١١ جلد.
- الذهبي. ميزان الإعتدال. بيروت: دار المعرفة، ٤ جلد.
- السجستاني، سليمان بن الأشعث. سنن أبي داود. بيروت: دارالفكر، ٢ جلد.
- الشيباني، محمد بن الحسن. السير الكبير، شرح كتاب السير الكبير. ٣ جلد.
- الطبري، ابي جعفر محمد بن جرير. جامع البيان عن تأويل آيات القرآن. بيروت: دارالفكر، ٣٠ جلد.
- العجلوني الجراحي، اسماعيل بن محمد. كشف الخفاء و مزيل الالباس. بيروت: دارالكتب العلمية، ٢ جلد.
- العسقلاني (الامام)، ابن حجر. فتح الباري شرح صحيح البخاري. بيروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر، ١٣ جلد.
- \_\_\_\_\_ . لسان الميزان. بيروت: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، ٧ جلد.
- الفارسي، علاءالدين علي بلبان (محمد بن حبان بن احمد). صحيح ابن حبان به ترتيب ابن بلبان. مؤسسه الرسالة، ١٦ جلد.
- القزويني، محمد بن يزيد. سنن ابن ماجه. بيروت: دارالفكر، ٢ جلد.
- القضائي، محمد بن سلامه. مسند الشهاب. بيروت: ٢ جلد.
- القندوزي الحنفي (الشيخ)، سليمان بن ابراهيم. ينابيع المودة لذوى القربى. دار الاسوة، ٣ جلد.
- اللخمي الطبراني، سليمان بن احمد بن ايوب. المعجم الأوسط. دارالحرمين، ٩ جلد.
- \_\_\_\_\_ . المعجم الصغير للطبراني. بيروت: دارالكتب العلمية، ٢ جلد.
- المتقي الهندي. كنز العمال. بيروت: مؤسسه الرسالة، ١٦ جلد.
- المكي الخوارزمي، الموفق بن احمد بن محمد. المناقب للخوارزمي. مؤسسه النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
- النسائي، ابي عبدالرحمن احمد بن شعيب. السنن الكبرى للنسائي. بيروت: دارالكتب العلمية، ٦ جلد.

- النيسابورى، مسلم بن الحجاج. صحيح مسلم. بيروت: دارالفكر، ٨ جلد.
- الهيثمى، نورالدين على بن ابى بكر. بغية الباحث عن زوائد مسند الحارث. دار الطلائع.
- \_\_\_\_\_ . مجمع الزوائد و منبع الفوائد. بيروت: دارالكتب العلمية، ١٠ جلد.
- احسائى، ابن أبى جمهور. عوالى اللآلى. سيد الشهداء (ع)، قم: ٤ جلد، ١٤٠٥.
- امام صادق (ع). مصباح الشريعة. مؤسسه الأعلمى للمطبوعات، ١٤٠٠.
- بهار، محمدتقى (ملك الشعرا). سبك شناسى. تهران: اميركبير.
- تميمى آمدى، عبدالواحد بن محمد. غُرر الحكم و درر الكلم. قم: دفتر تبليغات اسلامى، ١٣٦٦.
- تميمى مغربى، نعمان بن محمد. دعائم الإسلام. مصر: دارالمعارف، ٢ جلد، ١٣٨٥.
- ثعالبى المالكى، عبدالرحمن بن محمد بن مخلوف ابى زيد. تفسير الثعالبى.
- المسمى بالجواهر الحسان فى تفسير القرآن. بيروت: دار احياء التراث العربى، ٥ جلد.
- جوينى، عظاملك. تاريخ جهانگشای. به تصحيح محمد قزوینى، تهران: نصر.
- حرانى، حسن بن شعبه. تحف العقول. جامعه مدرسین، قم: ١٤٠٤.
- حلى (علامه) حسن بن يوسف. الألفین. قم: دارالهجرة، ١٤٠٩.
- \_\_\_\_\_ ؛ نهج الحق و كشف الصدق. قم: مؤسسه دارالهجرة، ١٤٠٧.
- خاتمی، احمد. شرح مشكلات تاريخ جهانگشای جوينى. تهران: پایا، ١٣٧٤.
- ديلمى، حسن بن أبى الحسن. إرشاد القلوب. قم: شريف رضى، دو جلد در يك مجلد، ١٤١٢.
- راوندی، سيدفضل الله. النّوادر للراوندی. قم: مؤسسه دارالكتاب.
- زبيدى، محمد مرتضى. تاج العروس من جواهر القاموس. بيروت: المكتبة الحياة، ١٠ جلد.
- سيوطى، جلال الدين. الدّر المنثور. «بهامشة القرآن الكريم مع تفسير ابن عباس» بيروت: دار المعرفة، ٦ جلد.
- سيدرضى. خصائص الأئمة (ع). مجمع البحوث آستان قدس رضوى، ١٤٠٦.
- سيدعلى بن موسى بن طاووس. الطرائف. قم: چاپخانه خيام، ١٤٠٠.

- شهید ثانی. مسکن الفؤاد. قم: کتابخانه بصیرتی.
- \_\_\_\_\_ . منیة المرید. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۹.
- شیخ صدوق. الخصال. جامعه مدرسین، قم: دو جلد در یک مجلد، ۱۴۰۳.
- \_\_\_\_\_ . علل الشرائع. مکتبه الداوری، قم.
- \_\_\_\_\_ . کمال الدین. قم، دارالکتب الإسلامية، دو جلد در یک مجلد، ۱۳۹۵.
- \_\_\_\_\_ . معانی الأخبار. قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۱.
- \_\_\_\_\_ . من لا یحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین، ۴ جلد، ۱۴۱۳.
- شیخ طوسی. الأمالی للطوسی. دارالثقافة، قم: ۱۴۱۴.
- شیخ مفید. الأمالی للمفید. کنگره جهانی شیخ مفید، قم: ۱۴۱۳.
- صفا، ذبیح الله. تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس.
- عاملی (شیخ)، حر. وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۲۹ جلد، ۱۴۰۹.
- عمرو بن ابی عاصم الضحاک. کتاب السنه. بیروت: المکتب الاسلامی.
- فتال نیشابوری، محمد بن حسن. روضه الواعظین. قم: رضی.
- قرشی الدمشقی، ابی الفداء اسماعیل بن کثیر. تفسیر ابن کثیر. بیروت: دار المعرفة، ۴ جلد.
- کلینی. الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامية، ۸ جلد، ۱۳۶۵.
- کوفی، محمد بن محمد بن اشعث. الجعفریات (الأشعثیات). تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
- مازندرانی، ابن شهر آشوب. متشابه القرآن. بیدار، دو جلد در یک مجلد، ۱۳۲۸.
- \_\_\_\_\_ . مناقب آل ابی طالب (ع). قم: مؤسسه علامه، ۱۳۷۹.
- مجلسی (علامه). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۱۰ جلد، ۱۴۰۴.
- نباتی بیاضی، علی بن یونس. الصراط المستقیم. نجف: کتابخانه حیدریه، سه جلد در یک مجلد، ۱۳۸۴.
- نوری (محدث). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸.
- ورام بن ابی فراس. مجموعه ورام. قم: الفقیه. دو جلد در یک مجلد.
- هندی الفتنی، محمد طاهر. تذکره الموضوعات.